

پیشنهادات عده یی از روشنفکران افغان به کنفرانس بن دوم

عالیجنابان:

انگلا مرکل صدراعظم جمهوری المان فدرال،

هرمان فون رومپوی ریس اتحادیه اروپا،

سران ونمایندگان دول اشتراک کننده کنفرانس،

سرمنشی سازمان ملل متحد،

سکرتر جنرال سازمان ناتو،

قومندان عمومی نیرو ائتلاف در افغانستان،

اشتراک کننده گان محترم کنفرانس بین المللی بن دوم !

درک از مسوولیت تاریخی، ما را وا میدارد که نباید در قبال رویداد با اهمیت تاریخی چون این کنفرانس، بی تفاوت ماند و در زمینه با مسوولیت و دقت ابراز نظر ننمود ؛ زیرا اینک نه تنها سر نوشت مبارزه علیه تروریسم، قاچاق مواد مخدره، فساد اداری و ناقضین حقوق بشر - بالاخص حقوق زنان - در کشور ما، بلکه موفقیت و عدم موفقیت ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم، سازمان نظامی ناتو و حتی صلح و ثبات در منطقه ما و در جهان، به فیصله های این کنفرانس مربوط اند .

بنابراین ما یکتعداد افغانها، به شما اشتراک کننده گان محترم کنفرانس بن دوم مراجعه نموده نکات چندی را در میان میگذاریم.

سعدی بزرگ گفته است :

ره نیک مردانِ آزاده گیر
چو ایستاده ای دستِ افتاده گیر

همه میدانیم که ملت افغان از اوصاف ذاتی و مختصات ذهنی خاص و منحصر بخود برخوردار هستند، که یکی هم خصلت قدرشناسی است. این برخورد کلتوری ملت ما، تاریخ کشور باستانی ما را مشحون از رویداد ها و حوادث ساخته است. افغانهای با درک، با الهام از این مشخصه، در حالیکه

کمک های حیاتی و بی شایبه جامعه جهانی را مصداق عالی مکلفیت اخلاقی آنان در برابر مردم افغانستان میدانند در عین حال آن را در مطابقت با سیاستهای انساندوستانه - خواست شرایط نوین و نو پای مرحله کیفی نظم جدید جهانی، ارزیابی نموده بدیده قدر می نگرند. بنابراین اجازه دهید از شما عالیجنابان، از دولت ها و قاطبه خانواده ها و افراد جامعه بشری بخاطر کمک های بی شایبه که به مردم و کشور ما بعد از کنفرانس بن اول - مورخ ۵ دسامبر ۲۰۰۱ - در امر نجات از بحران سیاسی، نظامی و اقتصادی بعمل آمده و می آید، صمیمانه اظهار سپاس نمائیم.

عالیجنابان محترم،

با وجود آنکه روشنفکران افغانستان مداخلات خونین و متداوم نظامیان پاکستان را در امور داخلی کشورمان، بطور مکرر افشا نموده و جامعه جهانی را از عواقب وخیم اعمال افراطیون هشدار داده اند، اما با دریغ و درد که فریاد ملت افغان نه تنها در آن وقت تحت تاثیر امواج مسلط فضای جنگ سرد، از طرف جوامع بین المللی شنیده نشد بلکه تا امروز این صدا را یا جهتی از بقایای طرفین جنگ سرد معرفی میدارند و یا اصلاً به آن اهمیتی قابل نمیشوند .

تراژیدی انسانی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ که اکثریت مطلق جامعه جهانی را برای نخستین بار در تاریخ بشریت دور هم جمع نمود تا مشترکاً در مقابل پدیده منحوس و منفوری اکستریمیسم و تروریسم در کشور ما، منطقه ما و در سطح جهان، مبارزه نمایند؛ به حقانیت فریادهای روشنفکران افغانستان در زمینه مهر تائید گذارده است .

بهر حال؛ مسلم است که جامعه جهانی در توافقات تاریخی بن اول، باآنکه تصامیم حیاتی رادر رابطه به آینده و کشور ما اتخاذ نمودند ولی از نخستین روز های کنفرانس مذکور معلوم گردید که هستند دستگاه ها و رژیم هایی که نه تنها تامین صلح و ثبات در افغانستان، بلکه اشتراک عمل جامعه جهانی را درین منطقه از جهان، نقطه و پایان مداخلات غرض آلود شان درین کشور تلقی نموده؛ بخاطر انحراف این پروسه از مسیر درست و بدنام ساختن آن در ذهنیت های جهانی، با زیرکی تمام از سهمیم ساختن روشنفکران افغان در آن و در امر بازسازی و اعمار مجدد کشور جلوگیری بعمل آوردند. بدین ملحوظ و تحت تاثیر هیجاناناشی از وضعیت عینی و حساس آن وقت و بنابر تاثیر ترسبات ذهنی باقیمانده از جنگ سرد و شناخت ضعیف از طرز تفکر این روشنفکران، به نظریات و مواضع آنان ارزشی قابل نگریده، آنها به حاشیه کشیده شده و از شرکت در پروسه تامین صلح و ثبات، اعمار مجدد و بازسازی کشور محروم گردیدند. در عوض، سرنوشت مردم و کشور ما، همچنان پروسه تامین صلح و ثبات، باز سازی و اعمار مجدد، به گروه ها و حلقات بدنام و بدکار، با طرز تفکر قرون وسطایی، فاقد توان و استعداد رهبری جامعه و آزموده شده و ناکامی سپرده شد که اینک نتایج تأسف

بارآن بعد از ده سال و اندی، هم مردم و روشنفکران افغانستان و هم جامعه جهانی را می آزارد. در این مدت اگرچه افغانستان در محراق توجه روابط بین الدول و جامعه جهانی قرار داشت و جامعه جهانی از هیچ نوع کمک و همکاری مادی و معنوی به افغانستان دریغ ننمودند؛ ولی اینک نتایج آن برخلاف امیدها و آرزوهای مردم افغانستان و جامعه جهانی تأسف برانگیز است. جنگ نه تنها پایان نیافته بلکه گسترش و ابعاد جدید یافته است. همسایه ها، بخصوص پاکستان و رژیم آخوندی ایران، همچنان عربستان سعودی با بیشر می تمام به مداخلات شان در امور داخلی افغانستان نه تنها از طریق تربیت، تمویل، تسلیح و صدور باند های تروریست به افغانستان، بلکه با نفوذ و تطمیع افراد در بالاترین مقام های ساختار قانونی دستگاه سیاسی کشور - منجمله دولت - کماکان ادامه می دهند. قدرت مندان محلی هنوز هم صلاحیت های دولت مرکزی را نادیده می گیرند، بی قانونی، رشوت، اختلاس و تجاوز بر مال، جان و نوامیس مردم بیداد می کند، حقوق زنان و اطفال به بیرحمانه ترین شکل آن چه بسا که از طرف قدرتمندان (سابق) تنظیم های جهادی و طالبان قرار داده شده در مقامات دولتی و عمل شان، پامال می گردد. کمک های مالی و تخنیکی جامعه جهانی به عوض مؤثریت در تغییر و بهبود سطح زندگی افغانها، چه بسا که به یغما برده شده بر ملیونهای دالر اندوخته شده این قدرتمندان افزون میگردند. در این مدت افغانستان تحت سلطه این حکام نه تنها از جایگاهی خاص و ممتازی در کشت، تولید و قاچاق مواد مخدره، قاچاق انسان، نقض حقوق بشر در جهان برخوردار گردید، بلکه به بحرانی ترین حالت اجتماعی و سیاسی نیز روبرو گردیده است. امروز حاکمیت از هیچ نوع مشروعیت سیاسی و ملی و حتی مشروعیت نسبی بین المللی برخوردار نمیشود. و نظر به اندکس های قبول شده بین المللی کشور ما امروز یکی از جمله فقیرترین، مفسدترین، خطرناک ترین و بی ثبات ترین کشور جهان و تهدیدی جدی به ثبات و امنیت منطقه و جهان معرفی میگردد. دیده می شود که حکام فاسد با دیده درایی نه تنها مسولیت وضعیت کنونی را نمی پذیرند بلکه جامعه جهانی را در زمینه مسول قلمداد نموده ذهنیت های عامه را تحریک مینمایند. و در عین حال حاکمیت فعلی افغانستان در تباری با حامیان ایرانی، پاکستانی و ... شان اکنون به چنان بم تبلیغاتی دست زده و تشویش خلق نموده اند که گویا افغانستان یک کشور کاملاً اشغال شده میباشد. علناً میگویند، جامعه جهانی در افغانستان اهداف خود را دنبال میکنند و بفکر افغانستان نیستند؟ بدینترتیب تلاش مذ بوحانه میگردد تا جامعه جهانی را مقصر اصلی این وضعیت معرفی نمایند. که نباید به عواقب و تاثیرات منفی سیکالوژیکی آن بالای روان مردم آزادی دوست و سلحشور افغان، مردمان منطقه و جهان کم بها داده شود. این وضعیت کشور و منطقه ما را به گسترش تروریزم، افراط گرائی و ناسیونالیزم افراطی مواجه نموده، بنابراین اولین ائتلاف، همبستگی و همکاری جهانی را به بن بست و ناکامی تهدید مینماید.

جلالتمایبان محترم !

عواقب و تأثیرات روانی وضعیت نامطلوب کنونی بر جامعه ما، مردمان منطقه و جهان موضوعی است که باید از طرف جامعه جهانی با دقت و سنجش مورد ارزیابی قرار گرفته و خسارات جبران نا پذیر و قربانیهای مردم افغانستان و جامعه جهانی به ساده گی گرفته نشود.

ما افغانها بنابر احساس مسولیت در برابر مردم افغانستان و جامعه جهانی لازم دانستیم نکاتی را خاطر نشان ساخته و بر ضرورت عینی بررسی آنان در کنفرانس بن دوم تاکید نمائیم :

۱. ارزیابی و نتیجه گیری از چگونگی تعمیم توافقات و تصامیم بن اول طی ده سال گذشته، نقش حاکمیت موجود درین زمینه و دست آورد های جامعه جهانی در بوجود آوردن حاکمیت مذکور ؛

۲. بررسی راه های بیرون رفت جامعه جهانی از وضعیت کنونی و احتمال نتایج نهایت منفی اجتناب نا پذیر، در صورت عدم توجه به تغییر وضعیت جاری در افغانستان و اطراف آن؛

۳. بررسی نتایج تداوم بحران اعتماد میان دول همسایه با افغانستان و اهمیت صلح در منطقه ؛

۴. بررسی سرنوشت اهداف ائتلاف جهانی مبارزه علیه تروریسم، در صورت ایجاد حاکمیت ائتلافی میان حاکمیت فعلی با گروه طالبان؛

۵. وضعیت بحران مالی و اقتصادی در کشور های ائتلاف بین المللی و کسر کمک به پروسه احیا و باز سازی افغانستان و نتایج قابل قیاس آن؛

۶. بررسی نتایج خروج قوت های ائتلاف جهانی مبارزه علیه تروریسم از افغانستان در سال ۲۰۱۴ میلادی و احتمال دستیابی رژیمهای پاکستان، ایران و حامیان این دو رژیم منفور به اهداف خویش، بوجود آمدن وضعیت سیاسی و اجتماعی جدید ناشی از آن در منطقه، تأثیرات و عواقب این وضعیت.

اشتراک کنندگان محترم کنفرانس !

کنفرانس بن دوم اگر به بر رسی مسائل فوق بپردازد دور از مفاد نخواهد بود تا انگیزه ها و دلایل عینی ناکامی ها و اشتباهات جامعه بین المللی نشانی گردیده و در جهت اصلاح و ختم نا رسائی ها نقطه پایان گذاشته شود. ما عقیده داریم که جامعه جهانی هنوز این توان را دارد که از این بن بست و بحران پیچیده، ائتلاف جهانی مبارزه علیه تروریسم و سازمان نظامی ناتو را رهایی بخشیده و با جلب اعتماد و همکاری های هماهنگ در احیای مجدد و بازسازی افغانستان، ثبات و امنیت بین المللی را یقینی سازد .

روشنفکران و اکثریت مطلق مردم افغانستان امید وار به ارزیابی جدی سیاست جامعه جهانی و تغییر کیفی در این سیاست میباشند. زیرا روشنفکران میدانند که زمینه یافتن تداوم جنگ با تروریسم و افراط گرایی طی سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، جامعه جهانی را توأم با وضعیت نا مساعد اقتصادی آنان با مشکلات بزرگتری در سطح منطقه و جهان مواجه خواهد ساخت که می باید از همین اکنون به آن اندیشید و این زمینه ها را از میان برداشت .

در عین حال از جامعه جهانی آرزو داریم که:

به نقش زیانبار و ناکام استراتژیست های دوران جنگ سرد در سیاست سازی و در اتخاذ تصمیم پیرامون مبارزه علیه تروریسم خاتمه داده شود، زیرا گذار به شرایط جدید بین المللی، به اشخاص و موسسات جدید، با بینش کیفیتاً جدید ضرورت دارد. دیده می شود که سیاستمداران و استراتژیست های جنگ سرد تمام تلاش های شانرا در محوراها بسیار کهنه و فرسوده درکشور و منطقه ما معطوف نموده و مینمایند؛ چنین برخورد شایان خواست وضعیت حساس و شرایط جدید بین المللی نمیشد و باعث بی اعتمادی در کشور های منطقه، جامعه بین المللی و حتی میان دول ائتلاف مبارزه علیه تروریسم و دول عضو سازمان نظامی ناتو گردیده و در آینده بر مشکلات موجود خواهند افزود .

عالیجنابان محترم،

پیشنهاد میداریم:

۱. به باور و یقین کامل که در کنفرانس بن دوم حاکمیت، آزادی و استقلال ملی، تمامیت ارضی و نظام آینده کشور به بحث گرفته میشوند بنابراین از جامعه بین المللی خواهانیم که در تشخیص و جلوگیری از نیرو هایی بکوشند که میخواهند در کشور ما با تحریکات و اعمال خشنونت آمیز علیه مردم، یک حکومت مذهبی استبدادی را مستقر سازند و باردیگر حقوق انسانی مردم را

بی رحمانه نقض نمایند. زیرا نظام افراطی مذهبی وایدیالوژیک، یک خطر ملی و منطقی بوده، تراژیدی های انسانی در سال های اخیر در مناطق مختلفه جهان آشکار ساخته است نظام افراطی مذهبی هم چنان تهدیدی بزرگی به منطقه، بشریت و تمدن بشری میباشد.

۲. کنفرانس توجه عمیق به حیثیت و اعتبار بین المللی ائتلاف مبارزه علیه تروریسم و پرستیژ سازمان نظامی ناتو و فیصله های سازمان ملل متحد در افغانستان کرده و عواقب سنگین و فاجعه باری را ارزیابی نمایند که در صورت عدم توجه جدی در این موضوعات تبارز مینمایند. زیرا درین صورت بازگشت به وضعیت فاجعه بارتر جنگی - در مقایسه با سالهای ۹۰ میلادی - در افغانستان و آنهم بعد از یک دهه حضور نیرو های بین المللی تحت رهبری ایالات متحده امریکا را انتظار داشت.

۳. جامعه جهانی می باید امروز متیقن گردیده باشند که دور نگهداشتن روشنفکران افغان از پروسه احیا و بازسازی کشور شان اشتباه بود. بنابراین به روشنفکران افغان زمینه مساعد گردد تا با سهمگیری مسوولانه درین پروسه رسالت تاریخی شان را در برابر مادر وطن شان و در همکاری با جامعه جهانی ایفا نمایند. ما معتقدیم که معضله ء امروزی افغانستان منحصر به حدود و اربعه افغانستان نبوده، یک ساحه بزرگ بشری را احتوا مینماید.

۴. لازم و ضرور پنداشته می شود تا جامعه جهانی توجه جدی به پیش قدمی ها و اقدامات سیاسی یی معطوف دارند که همسایه های افغانستان - با شمولیت افغانستان و بدون افغانستان - به بلاک سازی های متعدد و متضاد در منطقه پرداخته و میپردازند؛ آیا این اقدامات میتوانند به نفع صلح، ثبات و امنیت در منطقه باشند؟ آیا در پروسه دستیابی به اهداف ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریسم موثراند و یا برخلاف آن تاثیرات منفی بجا می گذارند؟ و آیا درآینده - بخصوص بعد از سال ۲۰۱۴ - کدام سیاست هایی را برای دستیابی به اهداف و منافع شان در افغانستان تدوین و عمل خواهند نمود؟.

به نظر ما این وضعیت مبهم، موضوع جدیست که نباید جامعه جهانی، آنرا ارزیابی نه نماید.

جلالتمایبان محترم !

اگر چه میدانیم که جامعه جهانی نسبت شناخت ضعیف و درک اندک از طرز تفکر روشنفکران افغان - بخصوص طرز تفکر آنان طی مدت ده سال و اندی حضور جامعه جهانی در افغانستان - به

نظریات و پیشنهادات آنان درباره چگونگی تعمیم پروسه صلح و ثبات، اعمار مجدد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان توجه معطوف نداشته اند، با آنهم ما بنابر درک مسوولیت تاریخی خویش؛ بخاطر بیرون رفت کشور از وضع فاجعه بار کنونی و نجات جامعه جهانی و بادر نظر داشت دقیق حساسیت های منطوقی، تحرکات منفی و کارشکنی های حلقات ضد افغانی در کشور های همسایه و استراتیژی های مغلق قدرتهای منطوقی و جهانی؛ حاضر و آماده هستیم چنان یک راه بیرون رفت و سیاست ملی- نجات مردم، کشور و حاکمیت ملی - را پیشنهاد نماییم که تحقق آن نه تنها به معضلات اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی کشور بلکه به شک و تردید ها و حتی اختلافات موجود درین زمینه، در سطح منطقه و جهان خاتمه بخشد.

به یقین کامل میتوان گفت که نیروی معتقد و مومن نجات دهنده عملی، ضامن حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، آزادی و استقلال کشور و کمک کننده جامعه جهانی، تنها و تنها روشنفکران ملت شریف و با عزت افغان میباشد. در عین حال این روشنفکران است که میتواند و توان و ظرفیت آنرا دارند که به کشور های منطقه و جهان این وعده و اطمینان را بدهند که چنان پلان ملی بیرون رفت افغانستان از بحران را پیشنهاد نمایند که نه تنها جهان قدرتمند را از منجلاب خونین نظامی، جنگی و اقتصادی نجات دهد، بلکه منافع هیچ یک از قدرتهای منطوقی و جهانی را نیز از نظر دور نه اندازد. همان قدر که این پلان از منافع علیای وطن و مردم افغانستان دفاع و نمایندگی خواهد کرد؛ همانقدر به منافع متقابلاً مفید قدرت های بزرگ احترام قایل بوده و میتواند ائتلاف مبارزه علیه تروریسم را کمک و اعتبار و پرستیژ جامعه جهانی را در منطقه تضمین نماید.

در خاتمه از بارگاه خداوند متعال به کنفرانس پیروزی و به کشور مان صلح و ثبات استدعا مینمائیم.

دوکتور گران توریال

به نمایندگی بخشی از روشنفکران افغان